

گفت و گو با
دکتر عبدالحسین نوابی
موسسه مطالعات
تاریخ معاصر ایران

گفت و گو و تنظیم: مرتضی رسولی پور



مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

گفت و گو با دکتر عبدالحسین نوائی گفت و گو و تنظیم: مرتضی رسولی پور

ناشر: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۳

قیمت: ۸۵۰۰ تومان

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران:

تهران، خیابان ولیعصر، شهید فیاضی (فرشته)،

نیش چناران، شماره ۱۵

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۱۹۷۵

تلفن: ۸-۲۲۶۰۳۰۳۷ وب: www.lichs.or

سرشناسه: نوائی، عبدالحسین، ۱۳۰۲ - ۱۳۸۳.

عنوان و نام پدیدآور: گفت و گو با دکتر عبدالحسین نوائی به کوشش
مرتضی رسولی پور؛ کاری از واحد تاریخ شفاهی، مؤسسه مطالعات
تاریخ معاصر ایران.

شخصیات نشر: تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۱۸۶ص: تصویر: ۵: ۲۱/۵x۱۴/۵سم.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۳۴-۵۳-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: نوائی، عبدالحسین، ۱۳۰۲ - ۱۳۸۳. — مصاحبه‌ها

موضوع: نوائی، عبدالحسین، ۱۳۰۲ - ۱۳۸۳. — خاطرات

موضوع: تاریخ نویسان ایرانی — قرن ۱۴ — سرگذشتنامه

شناسه افزوده: رسولی پور، مرتضی، ۱۳۴۱ — مصاحبه‌گر

شناسه افزوده: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

شناسه افزوده: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. واحد تاریخ

شفاهی

کتابشناسی: کنگره: ۱۳۹۱/۹۷۸/DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۸۲۴.۰۲۲

شماره ثبت کتابشناسی ملی: ۲۸۶۵۵۴۷

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۷	معرفی خاندان نوایی
۲۰	تحولات ابتدایی و متوسطه
۲۰	دربارهٔ دارالفنون
۲۲	در مدرسه شرف مظفری
۲۳	علاقهٔ بنیاد تحصیلی و رشتهٔ حقوق
۲۵	منازعاتی که در مدرسهٔ دارالفنون به وجود آمد
۲۸	افول علم در خرزها و ماس
۳۰	جنگهای ایران با روسیه را بیدار کرد
۳۱	دلیل اصلی پیشرفت عموم در غرب
۳۳	سخنی در مورد پیرافائل
۳۳	برخورد ما با تمدن غرب
۳۴	در دانشسرای عالی
۳۵	در کلاس ملک الشعراء بهار
۳۸	خاطره‌ای از دکتر حسین خطیبی
۳۹	سایر استادان دانشسرا
۴۳	دانشکده طب
۴۳	وزارت فرهنگ در زمان میرزا احمدخان بدر
۴۸	رسالهٔ تحصیلی من در دورهٔ لیسانس
۴۸	استخدام در وزارت فرهنگ
۵۰	همکاری با عباس اقبال در مجلهٔ یادگار
۵۳	دربارهٔ علامه قزوینی
۵۸	دربارهٔ تقی زاده
۶۰	دربارهٔ ذبیح بهروز
۶۲	تاریخنگاری ایرانیان
۶۵	همکاری با مطبوعات و روزنامه‌ها
۶۷	اهمیت و فایدهٔ تاریخ

۷۰	مقدمات ورود به دوره قاجاریه
۷۳	توجه به القاب
۷۴	دانستن سیاق و ماده تاریخ
۷۷	توجه به کشفیات باستانشناسی
۷۸	جنگ‌های اسکندر در ایران
۸۰	تعطیلی مجله یادگار
۸۱	مأموریت فرهنگی اقبال در استانبول و رم
۸۲	رنجش بهال از فریدون آدمیت
۸۳	به تاریخ رایش بیشتر پیدا کردم
۸۴	شرکت در کنگره خاه‌شناسان در استانبول
۸۵	نوشتن رساله شری
۸۷	چرا به دانشگاه شاه نرفتم
۸۷	اخلاق و رفتار دکتر محمد علی جتهدی در دبیرستان البرز
۸۸	در اداره کل تعلیمات عمیه
۹۱	دکتر قربان در دانشگاه شیراز
۹۲	وعده‌ای که به آن عمل نشد
۹۳	انتشار مجله آموزش و پرورش
۹۵	عضویت در شورای عالی اداری وزارت فرهنگ
۹۶	ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز
۱۰۰	ارائه طرح برای گسترش زبان فارسی در آذربایجان
۱۰۲	استعفا از ریاست دانشکده ادبیات و بازگشت به وزارتخانه
۱۰۶	سختگیریهای من و رنجش مسئولان وزارتخانه
۱۰۸	در سازمان کتابهای درسی
۱۱۱	باند فساد در وزارت آموزش و پرورش
۱۱۳	ارتباط وزیر با مفسدین وزارتخانه
۱۱۵	گرائی قیمت کتاب‌های درسی
۱۲۱	اثبات بی‌گناهی من و انتقال به وزارت فرهنگ و هنر
۱۲۳	در مدرسه عالی بابلسر
۱۳۰	بازنشستگی و کناره‌گیری از خدمات دولتی
۱۳۰	درباره دکتر علی‌اکبر سیاسی
۱۳۳	مروری بر آثار قلمی
۱۴۰	آثار و نوشته‌های دکتر عبدالحسین نوایی
۱۴۹	تصاویر
۱۷۹	نمایه اشخاص

پیشگفتار

نگاهی به ساری خدشته ایران معلوم می‌دارد کلام و گفتار اعم از مکتوب و غیر مکتوب معمولاً با اساس تلاقی و تعاطی افکار در چارچوب قواعد منطقی و برقرار ساختن دستگاهی از گزاره‌های انتزاعی شکل نمی‌گرفته و در اغلب موارد یکسونگری و پذیرش انفعالی و اقتناعی جای گفت‌وگو و رویارویی فکری را می‌گرفته‌است. به دیگر سخن، اندیشه‌ری مبتنی بر گفت‌وگو در دوره‌های گذشته امری نادر و کم‌نظیر بوده‌است.

منظور از گفت‌وگو مبادلهٔ صوری و تفننی آرایان و اندوخته‌ها نیست؛ بلکه تلاش برای درک و فهم اندیشهٔ دیگران و در صورت لزوم نقد و ارائهٔ آنها به جامعه است و تازمانی که زمینهٔ قابل قبول برای گفت‌وگو با وجود نیاید، تصور فهم مسائل و راه‌یابی در یک شکل منطقی و غیر شخصی ضعیف خواهد بود. از این منظر گفت‌وگو شیوه‌ای از تفکر است و تفکر خصلتی گفت‌وگویی دارد مگر یعنی گفت‌وگو با خود، با هستی و با انسانهای دیگر و گفت‌وگو تنها زمانی احسان‌پذیر

می‌شود که افراد و جریان‌ها نسبت به هم انعطاف و گشودگی داشته باشند. در این حالت طبیعی است که طرفهای گفت‌وگو رویکرد فرضیه‌ای خواهند داشت؛ به این معنی که طرفین، دیدگاه خود را، حداکثر فرضیه‌ای می‌دانند که به طور مداوم به مدافعه کشیده می‌شود؛ مورد آزمون قرار می‌گیرد و محک می‌خورد.

در موضع تارس شفاهی باید توجه داشت که بنیاد هر نوع فعالیت مربوط به این حوزه حد و گستره است در گفت‌وگو درونمایه شخصیتها به نمایش گذاشته می‌شود و به رخدادها نیرو و مدگی می‌بخشد. در یک گفت‌وگوی مکتوب هر چند مصاحبه‌شونده را از بیننده‌ها از نحوه سخن گفتن او، به شخصیت او پی می‌بریم و متوجه می‌شویم از کجا آمده و از چه قماش آدمی است.

در یک گفت‌وگوی موفق سه خصوصیات عمده آشکار می‌شود:

۱. خصوصیات جسمانی و ظاهری

۲. خصوصیات روانی و خلقی

۳. خصوصیات اجتماعی و فکری

اصلی‌ترین نقطه عزیمت در بحث مربوط به مصاحبه پرسش است. اهمیت پرسش بالذات است یعنی اگر ما پرسش نکنیم و به سراغ آن نرویم پرسش به سراغ ما خواهد آمد. پژوهش زمانی شکل می‌گیرد که با سؤال آغاز شود و مواجهه انجام بگیرد؛ مواجهه با کسانی که مثل ما فکر نمی‌کنند. تنها در مواجهه‌های بسته و عنکبوتی است که سؤال و گفت‌وگو شکل نمی‌گیرد. کسی که موضوعی یا روایتی را مطرح می‌کند نمی‌تواند یک طرفه تنها حرف خودش را بزند و به

سؤالات پیرامون آن اعتنا نکند. بعضی عادت دارند فقط خود بگویند و بنویسند و دیگران فقط گوش بدهند. در چنین حالتی ارتباط با دیگران به وجود نخواهد آمد. لازمه برقراری ارتباط، گفت‌وگوی طرفینی است و یک نظام پژوهشی با نقد و سبش شکل می‌گیرد.

در گذشته و در نظام آموزشی و حوزه‌ای وقتی که یک سؤال فقهی مطرح می‌شد، ایرادات و اشکالات مرتبط و پیرامونی هم در کنار آن مطرح و پاسخ داده می‌شد. بدین‌ترتیب، در یک جامعه سالم نیز توافقه‌ای اجتماعی بر تبادل فکر و گفت‌وگو امکان‌پذیر شد. به تعبیری اندیشه میان ذهنی به شکلی نهادینه صورت می‌پذیرد. رواج گفت‌وگو از طریق چرخشی دیالکتیکی، خرد ارتباطی و تفکر بین‌الذهانی را شکل می‌دهد و در این صورت حقیقت هر چیزی بیشتر روشن می‌شود. بی‌توجهی به گفت‌وگو پژوهشهای تاریخی را عقید می‌کند، و خودگویی به معنی درجای خود بودن و توجه نداشتن به محیط پیرامونی و فراموش کردن مخاطب است.

روایتهایی که از زبان روایان در مورد یک واقعه یا رخداد بیان می‌شود یکسان نبوده به‌طوری که برخی متشابه، برخی دیگر تفاوت و گاهی متضاد هستند. در این صورت اظهارات هیچ‌یک از روایان را به‌طور مطلق نمی‌توان «روایت تاریخی» قلمداد کرد؛ بلکه مجموع روایتها و گزاره‌هایی که هر کدام از روایان به‌رغم درک متفاوتشان بیان می‌کنند چنانچه در کنار هم قرار گیرند و در یک نظام مجموعه‌ای و کلیت مطالعه شوند، در آن صورت می‌توانند به‌گونه‌ای منسجم و اندام‌دار و مرتبط با یکدیگر «روایت تاریخی» را به دست دهند. تأکید بر یک روایت و نادیده

گرفتن روایتهای گوناگون در مورد امر واقع جز تصلب، فروبستگی، امتناع و رکود اندیشه حاصلی به بار نخواهد آورد. البته غث و ثمین اظهارات راویان همچون گزارشها، اسناد و منابع مکتوب بسیار است و کم نیستند راویان و نویسندگانی که از نظر منافع و مصالح خود به وقایع نظر کرده‌اند؛ با این همه باید بپذیریم که درک درست از تاریخ و هر نوع تبادل فکر و اندیشه در نتیجه گفت‌وگو و برقراری نوعی مباحثه، می‌آید. هم‌سخنی امکان‌پذیر می‌شود؛ و باید این سخن را به جان پذیرفت که حتی در نوشته‌ها و حرفهایی که از سر بازپچه نوشته و گفته شده‌اند پندی نهفته است.

- در گفت‌وگوی مربوط به تاریخ، ماهی رعایت نکات زیر الزامی است:
- الف. رعایت منطق ارتباط در معضلات گفت‌وگو: در بعضی مصاحبه‌ها متأسفانه این نکته مورد غفلت قرار می‌گیرد به طوری که هیچ‌گونه نظم و ارتباطی که بتواند موارد را در بیان خاطرات به هم پیوند دهد، وجود ندارد. سؤال‌کننده به هنگام پرسش باید این نظم و ترتیب را رعایت کند تا کویته، پاسخ به هر پرسش در محدوده همان سؤال، جواب دهد و مطالب را به صورت درهم بیان نکند.
 - ب. داشتن هدف در مصاحبه‌ها یکی دیگر از الزامات بود. هدف گفت‌وگو در هر موقعیت و برای هر مقصود ملزم به داشتن هدف است، در غیر این صورت نتیجه حاصل نخواهد شد بلکه به گفت‌وگویی دوستانه و غیرحرفه‌ای تنزل می‌آید.
 - ج. هر طرح تاریخ شفاهی بدون پشتوانه مطالعاتی و پژوهشی علمی نخواهد شد.
 - د. رعایت جنبه‌های فنی مصاحبه مثل یادداشت‌برداری، بهره‌مند بودن از

روش و زبان ارتباط، جهت دادن به مصاحبه، نپردن در جریان توضیحات مصاحبه‌شونده، توجه داشتن مداوم به او و پرهیز از بی‌توجهی، رعایت نزاکت، پرهیز از بازجویی، رعایت حال مصاحبه‌شونده و دانستن اینکه به چه نحو مصاحبه را پایان دهد و... الزامی است.

۲- مصاحبه‌کننده باید بداند نقش او به عنوان واسط میان گوینده و شنونده است و هم‌چنین او تاریخ را در جریان گفت‌وگو محقق می‌کند. چنانچه تعلیم دیده و حرفه‌ای باشد می‌تواند جریان نقل وقایع از سوی مصاحبه‌شونده را طوری هدایت کند که در حراقتاتی که سالها به فراموشی سپرده، به هنگام پرسش به آسانی به یاد آورد. پرسش‌های او چنانچه به موقع و مناسب باشد، مصاحبه‌شونده به چیزی پاسخ خواهد داد که در این صورت آن را به فراموشی می‌سپرد. و مصاحبه‌فعال می‌تواند عناصر پنهان شده، وقایع گم شده و حلقه‌های مفقود در رخدادها را کشف و آشکار کند.

واحد تاریخ شفاهی مؤسسه مطالعات تاریخ و صاحب ایران از ابتدای فعالیت خود همواره کوشیده خاطرات رجال و شخصیت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و نظامی را که از دوران قاجاریه و پهلوی اطلاعاتی دارند، از طبق مصاحبه و گفت‌وگو ثبت، جمع‌آوری و منتشر نماید. تاکنون بیش از صد مصاحبه در نشریات وابسته به مؤسسه منتشر گردیده است.

کتاب پیش رو و کتابهایی از این دست که بعداً منتشر خواهند شد، مجموعه‌ای

از روایت‌های گوناگون و گاهی متناقضه تعدادی از صاحب‌نظران پیشین عرصه سیاست و فرهنگ است که هرکدام در تحولات و موضوعات مشترک سیاسی، فرهنگی معاصر ایران دستی و نقشی داشته‌اند.

هدف اصلی از انجام این مصاحبه‌ها دستیابی به اطلاعات، دانش، تجارب و عملکرد مصاحبه‌شدگان و همچنین ارائه نوعی خاص از کنش متقابل برای رسیدن به واقعیت تبیینی روایت بوده است. بخشهایی از هر گفت‌وگو جهت درک بیشتر مطالب و بسط و تنجیح، به بیان خاطرات شخصی اختصاص یافته، به طوری که شخص در یک روز و یک محور مصاحبه قرار دارد. در قسمتهایی نیز موضوع به طور مستقل به ماقده حلیده شده؛ از این جهت گفت‌وگوها رویکردی تلفیقی دارد و ترکیبی از «خاطره» و «تاریخ شفاهی» است. برای آن‌که خواننده در حاق موضوع و مطلب قرار گیرد، اولاً سعی گردید در هر گفت‌وگو، منطق ارتباط رعایت شود؛ افزون بر این در مقدمه هر مصاحبه مختصری از شرح احوال و آثار علمی مصاحبه‌شونده و فضای گفت‌وگو آورده شده است.

در پایان ادای سپاس نسبت به دوستان و همکاران اینجانب که در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران دلسوزانه زحمت می‌کشند و با تألیف و تنویر، چاپ و نشر این کتاب را سبب گشتند، لازم می‌دانم و برای آنان مزد بزرگ و دوام کرامت طلب می‌کنم. بمنه و کرمه

تاریخ شفاهی

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

مقدمه

شادروان اسدادرین دکتر عبدالحسین نوایی بی‌گمان یکی از محققان و مورخان شاخص بود که نزدیک به ۶۰ سال از عمرش را به تفحص در آثار و متون تاریخی و ادبی گذراند و آثار متنوعی در این زمینه - از شرح رجال حبیب‌السییر (۱۳۲۴) گرفته تا کتاب سه جلدی تاریخ ایران (۱۳۷۵)، نایبیان کاشان (۱۳۷۹) و مهدعلیا (۱۳۸۳) و... - در کارنامه خدمات علمی و پژوهشی خود به جای گذارد. داوری در مورد هر یک از آثار تاریخی و ادبی و همچنین شیوه تاریخ‌نگاری او مستلزم بحثی دراز دامن است اما آن‌طور که خوشتر است گفت در دوران جوانی تحت‌تأثیر اوضاع آشفته و هرج و مرج مطبوعاتی و بی‌ثباتی سیاسی دهه ۱۳۲۰ خورشیدی، در مورد بعضی وقایع و شخصیت‌های تاریخی و متون دستخوش اجساسات نسبتاً تند شده بود که البته بعدها با مطالعه بیشتر و مراجعه به اسناد نو یافته به تعدیل گراییده بود.

نگرش او به تاریخ ایران، نگرشی جامع و فراگیر بود و بیشتر آثار قدما و منابع تاریخی را دیده و خوانده بود و همیشه تأکید می‌کرد کسی که به این رشته وارد می‌شود باید از کلیات تاریخ ایران آگاهی کافی داشته باشد و تنها در این صورت می‌تواند میان تحولات و حوادث مختلف ارتباط منطقی برقرار کند. با این همه و به رغم آن که تالیفات متعدد و با ارزشی در تاریخ دوره صفویه به بعد از خود به جای گذاشته بود، علاقه ویژه‌ای نسبت به شناخت و معرفی دوره قاجاریه از خود نشان می‌داد. این توجه بیشتر از آن جهت بود که دوره قاجاریه از نظر او، در نحوه زندگی و تفکر کنونی مردم ایران، چنان اثراتی به جای گذاشته که هنوز باقی است.

از میان استادان و مورخان معاصر، عباس اقبال بیش از دیگران علاقه داشت و ارادت می‌ورزید و او را به سبب احاطه اش به موضوعات تاریخی و نوع روش تحقیقی‌ای که به ویژه در نوشتن کتاب *زندگی و خاندان نوبختی* ارائه کرده بود می‌ستود... نگارنده در جایی دیگر به تفصیل در مورد شخصیت و شیوه تاریخ‌نگاری دکتر نوایی پرداخته که خواننده را به آن ارجاع می‌دهد.^۱ در این مجال فقط یادآور می‌شود در دهه پایانی عمرش که توفیق مصاحبه را بر خودرداری از

۱. دکتر عبدالحسین نوایی آن گونه که من شناختم، مرتضی رسولی، *فصلنامه تاریخ نامرئی ایران*، شماره ۳۱ (سال ۸، پائیز ۱۳۸۱)، صص ۱۸۸ - ۱۷۳ یا *مجموعه مقالاتی در پاسداشت مقام علمی، فرهنگی و تاریخی دکتر عبدالحسین نوایی*، گردآورنده: الهام ملک‌زاده، نشر نوگل، ۱۳۸۵، صص ۲۲۸ - ۲۱۷.

محضر فیض‌بخش او را در سفر و حضر یافته بودم همواره از راهنمایی و ریزنی ایشان در زمینه‌های مختلف و متنوع برخوردار بوده‌ام. از معرفی افراد موجه و آگاه از رخدادهای تاریخ معاصر گرفته تا حضور در بعضی از مصاحبه‌ها، در وقت و به وقت، هیچ‌گاه از مساعدت فروگذار نمی‌کرد.

مکتوبی حاضر در فاصله‌ی ماه ۱۳۷۶ تا پایان فروردین ۱۳۷۷ در ۱۱ جلسه جمعه‌ای مدتی نزدیک ۱۵ ساعت در موضوعات خانوادگی، تحصیلات، مشاغل، تعلیمات متوسط و عالی، وزارت فرهنگ، استادان دانشسرای عالی، *مجله یادگار* و عباس اقبال آشتیانی، تن‌زاده، تدوین کتاب‌های درسی، دیدگاه‌های تاریخی او و ... بوده و در بخش تطبیق یافته است. بخش نخست با عنوان *از مرارت روزگار تا مجله یادگار* در ۳۱ فصل‌نامه تاریخ معاصر ایران (سال ۸ پاییز ۱۳۸۳) و بخش دوم با عنوان *از مجله یادگار تا چهره‌های ماندگار* در شماره ۳۲ فصل‌نامه یاد شده (سال ۸ زمستان ۱۳۸۳) چاپ شده است.

دکتر نوایی در ۱۸ مهر ۱۳۸۳ از سوی سیمای جمهوری اسلامی به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار برگزیده شد. آن روز با تشییع پیکرش از مقابل بیمارستان توس به بهشت‌زها شد. دو روز قبل از آن در یک دوره طولانی بیماری در ۱۶ مهر ۱۳۸۳ دار فانی را وداع گفته بود.